

اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری مدرن

ترسیم همگرایی و افتراق‌ها

ولفگانگ اشتریک، کالین کراوچ

مترجم:

امیرحسین سادات

فهرست مطالب

- یادداشت دبیر مجموعه ۷
- معرفی نویسندگان ۱۱
- پیش درآمد ۱۷
- مقدمه: آینده تنوع در سرمایه‌داری؛ (کالین کراوج و ولفگانگ اشتریک) ۲۱
- فصل اول: متمایزبودگی مورد ژاپن؛ (رونالد دور) ۵۷
- فصل دوم: سرمایه‌داری آلمانی: آیا وجود دارد؟ آیا می‌تواند پایدار بماند؟
(ولفگانگ اشتریک) ۸۷
- فصل سوم: سرمایه‌داری سوئدی در گذار: از بین نئولیبرالیسم و الگوی
آلمانی؛ (یوناس پُنتوسن) ۱۲۹
- فصل چهارم: دولت‌گرایی فرانسوی بر سر دوراهی؛ (روبر بوآیه) ۱۶۱
- فصل پنجم: نهادهای اجتماعی و ساختار تولید: گونه ایتالیایی سرمایه‌داری
در دهه ۱۹۸۰؛ (مارینو رجینی) ۲۱۳
- فصل ششم: بریتانیا در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۵: اسطوره‌ها و واقعیت‌های
سرمایه‌داری محافظه‌کار؛ (اندرو گراهام) ۲۴۳

فصل هفتم: حک‌شدگی نهادی سرمایه‌داری آمریکایی؛ (جی. راجرز

هالینگزورث)..... ۲۷۷

فصل هشتم: در پی فروپاشی کمونیسیم، آیا هنوز هم راه میانه‌ای وجود

دارد؟؛ (ژان- پل فیتوسی)..... ۳۰۹

فصل نهم: تأملی در سرمایه‌داری روشن‌نگر؛ (فیلیپ دیریبارن)..... ۳۳۷

فصل دهم: مالیهٔ بین‌المللی و زوال تکثر در سرمایه‌داری؛ (فیلیپ جی. کرنی) .. ۳۶۱

فصل یازدهم: آیندهٔ سرمایه‌داری جهانی؛ یا، آیا واگرایی تا ابد تداوم

خواهد یافت؟؛ (سوزان استرنج)..... ۳۷۹

منابع و مآخذ..... ۴۰۱

مقدمه

آیندهٔ تنوع در سرمایه‌داری

کالین کراوج و ولفگانگ اشتریک

سرمایه‌داری نهادی: تنوع و عملکرد

علاقه‌مندی به شناخت تنوع موجود در اقتصادهای سرمایه‌داری مدرن، در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ رواج یافت، یعنی زمانی که نسلی جدید از دانشمندان علوم اجتماعی، «نظریهٔ همگرایی»^۱ را که در آن زمان مسلط بود، به چالش کشیدند. مطابق نظریهٔ همگرایی، همهٔ جوامع سرمایه‌داری، صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، بر مبنای مسیر و شیوه‌ای یگانه (و نه متکثر) تحول می‌یابند که این شیوهٔ یگانه، همان «صنعتی‌شدن متکثر»^۲ است. اندیشمندانی که در این چالش در حال ظهور مشارکت داشتند، جامعه‌شناسان، عالمان علوم سیاسی و اقتصاددانانی بودند که به نحوه‌های متنوع توسعه و ادارهٔ سرمایه‌داری در جوامع مختلف توجه نشان می‌دادند و این تنوع، از نظر

1. Convergence theory

2. Pluralist industrialism

حداقل تا حدودی، حتی در ماهیت خود سرمایه‌داری پیشرفته نیز تفاوت ایجاد کند. تنوع موجود در شیوه‌های اداره سرمایه‌داری، که بی‌وقفه مورد بررسی قرار گرفته و مستندات بسیاری درباره آن جمع‌آوری شده، این نوید را می‌دهد که مردم در جوامع قرن بیستم، به شرط آنکه شرایط سیاسی «درست» فراهم آیند، از این ظرفیت برخوردار شوند که نظام‌های اقتصادی سرمایه‌دارانه‌شان را در راستای اولویت‌های جمعی خود و از میان طیف گسترده‌ای از بدیل‌های معنادار از نو سازماندهی کنند.

مهم‌تر از اینها، تحلیل‌های ایشان روشن ساخت که سیاست در مقیاس ملی است که بنیاد در عملکرد سرمایه‌داری تنوع ایجاد کند. این حکم، نه از سر قرابت ذاتی تحلیل نهادگرایانه با دولت-ملت بود و نه از سر ترجیحات تجاری آن دسته از نظریه‌پردازان که معتقدند بازارها تنها باید توسط عاملان ملی و نه هیچ عامل مداخله جمعی دیگری، موضوع مداخله قرار گیرند. این حکم، این واقعیت تاریخی را بازتاب می‌داد که سرمایه‌داری قرن بیستم عمدتاً در درون مقیاس دولت-ملت و از خلال آن بوده که توسط جامعه قرن بیستمی، سازماندهی و تنظیم شده است. خصوصاً آنکه، جوامع تنها در مقیاس ملی است که توانسته‌اند از طریق سیاست دموکراتیک در مقابل اقتصادهای شان سخن بگویند. چه از این گزاره خوش‌مان بیاید و چه نه (و در واقع بیشتر اعضای نسل پس از ۱۹۶۸، آن را نمی‌پسندند و عمیقاً با آن مسئله دارند)، اگر خواهان مداخله مردمی و دموکراتیک در اقتصاد هستیم، خیلی ساده، مقیاس دولت-ملت تنها راه حل پیش‌رو بوده است.

تسه‌برداری از تنوع موجود در سرمایه‌داری

تیوهی از مطالعات در طول دهه ۱۹۸۰ نشان دادند که جوامع سرمایه‌داری از حیث نحوه تعامل‌شان با دو نهاد اصلی سرمایه‌داری، کاملاً با یکدیگر تفاوت

ایشان، در تفاوتی ریشه داشت که در ساختارهای نهادی جوامع مختلف به چشم می‌خورد؛ نه منحصرأ در ساختارهای اقتصادی، بلکه همچنین در ساختارهای گسترده‌تر سیاسی و اجتماعی. به سبب همین تأکید بر اهمیت تعیین‌کننده نهادهاست که معمولاً از این سنت، که اکنون بدل به جریان‌گسترده از نظریه و تحقیق شده است، تحت عنوان «نهادگرایی نوین»^۱ یاد می‌شود.^۲

اما برای این نهادگرایان نوین، بررسی تفاوت‌هایی که در سازمان اجتماعی و روال کار^۳ اقتصادهای سرمایه‌داری می‌یافتند، بسیار فراتر از نوعی دلبستگی علمی صرف بود. در واقع، توصیف و تحلیل این تفاوت‌ها در شیوه‌های شکل‌دهی به سرمایه‌داری، از نظر ایشان در خدمت تحقق یک هدف سیاسی بنیادی بود. درست بر خلاف پیام مایوس‌کننده‌ای که اثر کیر و همکارانش اعلام می‌داشت^۴، این بررسی‌ها نشان می‌دادند ابدأ این‌گونه نبوده که [ماهیت و عملکرد] فناوری‌ها و بازارها به تمامی توسط حیات اجتماعی سرمایه‌دارانه تعیین شود و بالعکس، جوامع بر این اساس که می‌خواستند سرمایه‌داری مورد نظرشان را چگونه هدایت کنند و چگونه جوامعی باشند، راه‌های بدیل مهمی در اختیار داشته‌اند تا از میان‌شان دست به انتخاب بزنند. درست که بعضاً برخی از این انتخاب‌ها مدت‌ها پیش اتخاذ شده بودند و اکنون چنان عمیق در فرهنگ ریشه داشتند که تغییر آنها، دست‌کم در کوتاه‌مدت، خارج از توان کنشگران معاصر بود، اما با اینحال، خود انگاره بدیل‌ها و امکان انتخاب‌گری جوامع از میان آنها، به‌طور ضمنی بر این نکته صحه می‌گذاشت که کنش جمعی هدفمند- یا همان سیاست- می‌تواند

ew institutionalism

۲. برای ملاحظه‌گزیده‌ای از مطالعات اخیر به این آثار رجوع کنید:

Berggren, 1991; Dore, 1986; Jürgen's et al., 1989; Maurice and Sorge, 1989; Best, 1990; Sako, 1992; Kogut, 1993; Hollingsworth et al., 1994.

3. modus operandi

4. Kerr et al., 1960.